



باید این راه اصلاح شود

سیدمحمدحسن ابوترابی فرد، امام جمعه موقت تهران در خطبه‌های نماز عبادی-سیاسی این هفته گفت: «دولتمردان باید در رسانه ملی با مردم سخن بگویند و پایه‌ها و اساس چالش‌های اقتصادی کشور را بیان کنند و به مردم صادقانه بگویند که راه اصلاح ساختار اقتصادی کشور چیست و چگونه باید از مردم حمایت واقعی کرده و برای کمک از مردم منابع را مستقیماً به دست آنها رسانند؛ باید به مردم بگویند چگونه می‌توان تورم را معالجه کرد؛ باید به مردم بگویند که ناترازی بودجه ریشه تورم کشور است و ناترازی بانک‌ها را به مردم بازگو کنند.» امام جمعه موقت تهران خطاب به رئیس‌جمهور عنوان کرد: «بانک مرکزی امروزه در قامت تأمین‌کننده منابع ریالی مورد نیاز دولت نقش ایفا می‌کند و نه به‌عنوان مدیر حفظ ارزش پول ملی و نه به‌عنوان مسئول در برابر حفظ ذخایر ارزی کشور. سیستم بانکی کشور آلوده به فساد است و بانک مرکزی باید نظارت کند؛ باید به بانک مرکزی اختیارات لازم داده شود و از او پیگیری شود.درآمدهای نفتی دیروز و شبکه بانکی و خلق پول امروز، هر دو عامل اصلی سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد و رشد تورم در کشور است. باید این راه اصلاح شود؛ با مردم سخن گفته شود و نخبگان علمی و سیاسی به میدان بیایند. این ملت یکپار چه و متحد در مقابل تجاوز دشمن ایستادند و بار دیگر هم برای اصلاح این ساختارها ایستاده است.»



بارش‌های اخیر تأثیر نماز باران است

سیدمحمد سعیدی در خطبه‌های نمازجمعه این هفته شهر قم با اشاره به بارش‌های اخیر و نزولات آسمانی گفت: «این بارش‌های پربرکت یادآور تأثیر دعا، ارتباط معنوی با خداوند و اقامه نماز باران است و لازم است جامعه نسبت به این نعمت الهی شکرگزار باشد و پیوند خود را با خداوند حفظ کند.» وی در بخش پایانی خطبه‌ها به وضعیت معیشت مردم اشاره کرد و افزود: «رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره نسبت به مسائل معیشتی مردم دغدغه جدی دارند و این موضوع را اولویت نخست کشور می‌دانند، رئیس‌جمهور نیز در این مسیر تلاش‌هایی را دنبال می‌کند و بارها تأکید شده که اقتصاد و معیشت مردم باید در کانون برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد و نباید از آن غفلت شود.»

ادامه سر مقاله

لطفاً توضیح دهید که گذشتگان چگونه کار کردند که به این روز افتادیم و کار شما و دولت به‌گونه‌ای است که بر خلاف آن وضع را بهبود می‌بخشد؟ اگر یک پاراگراف توضیح دهید که علمی و دقیق باشد، پذیرفتنی است. متأسفانه شما در بهترین حالت همان راه گذشتگان را ادامه می‌دهید. گفته‌اید که: «اگر هر خانواده یک قدم برای صرفه‌جویی بردارد، نیازی به قطع برق نیست.» قطعاً صرفه‌جویی و توصیه به آن عمل پسندیده‌ای است. ولی مگر وظیفه دولت تمرکز بر توصیه به صرفه‌جویی است؟ این کار را که همه می‌توانند انجام دهند. سال گذشته درباره برق، سوخت مازوت و... چه وعده‌هایی داده شد و چقدرش انجام شد؟ همه دولت‌ها قدری کارهای تولیدی می‌کنند. اگر قرار باشد آنها را به‌عنوان این خدمات دولت‌های خدمتگزار شمرد که همه دولت‌های تاریخ خادمان ملت محسوب می‌شوند. شما مطلقاً یا به مسائل اصلی نمی‌پردازید یا حاضر نیستید درباره آنها گفت‌وگو کنید. لطفاً دستور دهید نظرسنجی‌های دولتی از مردم درباره وضعیت کشور و دولت منتشر شود. ما همچنان به صداقت شما اعتقاد داریم. ولی صداقت به‌تنهایی مشکلی را حل نمی‌کند. مسئله هم این جناح و آن جناح نیست. مسئله امروز همه ما، ایران و مردم و بقای آن است.

اندیشه سیاسی

کنشگری سیاسی و موانع پیشرفت آکادمیک

گفتارهایی از داریوش رحمانیان، حسین مفتخری، محمدعلی اکبری و هاشم آقا جری درباره کتاب «دین و دولت و کاربست شریعت» نوشته محمد عابدالجابری



مثلاً برز مینی چاپ کنم یا بخواهم خارج از کشور چاپ کنند، که بنا به دلایلی نمی‌خواستم این کارها را انجام بدهم. پس این نارضایتی از خود یک مقدار به این شرایطی که گفتم برمی‌گردد و یک مقدار هم به خودم برمی‌گردد. اینکه، این درگیری‌هایی که در طول این سال‌ها وجود داشته، نقش داشته است.

دکتر زرگزناذ ۲۵ سال پیش، ۳۰ سال پیش، به من می‌گفت که فلائی تون نشین تحقیق کن، کتاب بنویس و اثر تولید کن؛ این ماندگارتر و بهتر است. ولی من بنا به دلایلی متأسفانه نتوانستم به این توصیه عمل کنم؛ چون نمی‌توانستم مثل یک محقق و آکادمیسین کتابخانه‌نشین، کنج اتاقم یا کتابخانه‌ام بنشینم و تحقیق کنم. یعنی دائم، این دغدغه‌ها باعث می‌شد که من مرتب ناچار و ناگزیر بدانم خودم را که به مسائلی که کاملاً در جریان بود پاسخ دهم و خود همین باعث می‌شد که به آن حوزه تحقیقاتی نپردازم و به جای اینکه تکست تولید کنم، سعی کنم که فهم خودم و حاصل مطالعات خودم را، به گونه‌ای به اصطلاح گفتمانی دنبال کنم.

لذا در واقع خوانش متن و تحلیل متنی، با مثلاً تحلیل گفتمانی، یک تفاوتش همین است. روش تحلیلش هم متفاوت می‌شود. بلاشبیبه، بدون اینکه منظوم شخص خودم باشد؛ مثلاً دکتر شریعتی اکثر آثارش تولید گفتمانی بود و بعد پیاده می‌شد و به صورت تکست درمی‌آمد. یعنی اینکه در فرایند عمل، بیان می‌شد و خب این یک محاسنی دارد؛ یک معایبی دارد، یک نقاط قوتی دارد، یک نقاط ضعفی دارد. شاید خود همین شتابی که فشار موقعیت و ضرورت‌های پراتیکی ایجاد می‌کرد و می‌کند، باعث می‌شود که مثلاً شما یک بحثی را مطرح می‌کنید؛ که اگر بخواهید این را بنویسید؛ باید بنشینید، وقت صرف کنید و تمام آنچه که در ذهن دارید را، دقیقاً مُسند کنید. رفرنس‌هایش را پیدا کنید و به آن نحو آکادمیک آن را تنظیم و منتشر کنید. آن مستلزم یک موقعیتی است که شما هر آنچه را که در ذهن دارید، بروید تک تک منابع را ببینید، استخراج کنید، فیش برداری کنید و کاملاً به صورت آکادمیک آن را در بیاورید. من فکر می‌کنم که شاید یک موقعی لازم باشد، درباره نسبت نظروزی علمی با مثلاً پراتیک سیاسی بحث کنیم، اینکه چه نسبیتی دارد یا چه نسبیتی باید داشته باشد. مثلاً ما محققینی داریم مانند مرحوم حمید عنایت، مرحوم دکتر فریدون آدمیت که اینها چنین وضعی دارند. از آن طرف کسان دیگری هستند که این چنین کار نکردند. اینها هر کدام، نقاط قوت و نقاط ضعف خودشان را دارند.

من اصلاً به خودم نمره قبولی نمی‌دهم. ولی در مجموع من دائم با خودم درگیرم، چون احساس می‌کنم که خیلی به اصطلاح کارهایی که باید می‌شد و می‌کردم را نکرده‌ام. من، گاهی به عنوان یک آدم ناراضی معرفی می‌شوم. یک کتابی در خارج منتشر شده است که یک فصل این کتاب تحت عنوان ناراضیان انقلاب است و من به عنوان یکی از ناراضیان انقلاب و روشنفکران ناراضی معرفی شدم. اینجا باید اعتراف کنم که من ناراضی هستم، ولی اولین شخص و اولین چیزیی و جایی که از آن ناراضی هستم، خودم هستم. از خودم، اول و بیش از همه ناراضی هستم و این لطف و محبتی که دوستان می‌کنند را به حساب رفاقت، مهر، محبت رفیقانه و دوستانه می‌گذارم.

داشته باشیم. آیا من می‌توانم و فرصت این را پیدا می‌کنم که در آینده کاری کنم؟ یعنی این کارهایی که نمایش داده شده، آن کارهایی نیست که لیاقت و شایستگی تقدیر داشته باشد. کارهای حاشیه‌ای و باری به هر جهت و تراز نیاز جامعه‌ما، تراز آنچه که باید باشد نیست.

این کتاب «دین و دولت و کاربست شریعت» نوشته محمدعابد الجابری و ترجمه را ۲۰ سال پیش به وزارت ارشاد دادم و ۲۰ سال واقعاً بدون دلیل موجه زیر سانسور آن دستگاه ماند. چند کار دیگر الان دست ناشرین است، حالا اینکه آیا مجوز بگیرد یا بگیرد [نمیدانم]. ترجمه‌ها شاید کمی مشکلاتش کمتر بوده است، هر چند که آنها هم بی‌مشکل نبوده است؛ البته ترجمه‌های تخصصی از نظر دستگاه سانسور خیلی با خطوط قرمزی که هست شاید بر خوردی نداشته باشد. هر چند که حتی مثلاً در این کتاب بیشن و روش در جامعه‌شناسی تاریخی که یک کتاب کاملاً تخصصی است، به ناشر گفتند که در مقدمه کتاب، یک کلمه اسلامی بود که باید برداشته می‌شد و برای من خیلی عجیب بود که آن سانسورچی بی‌سواد که چرا خواسته بود این کلمه برداشته شود. درحالی‌که، وجود آن کلمه در آن متن، اتفاقاً به نفع اسلام بود. مطلب این بود که نوشته بود: «در دوران جنگ سرد، غرب، آمریکا و جهان سرمایه‌داری برای اینکه یک دشمنی داشته باشد، تا بتواند اقدامات خودش را توجیه کند، شوروی و کمونیسم را به عنوان یک مثلاً گلوله خور خوره، یک تابو، یک شیطان هدف‌گیری کرده بود. ولی بعد از فروپاشی شوروی و پایان دوران جنگ سرد [برای توجیه اعمال‌شان] اسلام را جایگزین کردند. در واقع بر اساس یک نگاه اسلام فوبیا یا اسلام‌ستیزی، تلاش می‌کنند که کارهایشان را توجیه کنند. بعد سانسورچی گفته بود این کلمه اسلام را در این متن بردارید و این خیلی عجیب بود. یعنی معلوم بود که اصلاً آن جناب متوجه نشده که اتفاقاً وجود این کلمه اینجا به زیان اسلام نیست.

در مورد تألیفات، شاید دلیل اینکه من در این سال‌ها خیلی دیگر انگیزه پیدا نکردم که سراغ تألیف بروم، همین بود. یعنی هر جمله‌ای، هر کلمه‌ای با سانسور روبه‌رو می‌شد. چون فهمی که من از تاریخ داشتم و دارم؛ شاید مثلاً با استناد ردهایی که دستگاه رسمی دارد، خیلی هماهنگ نباشد. در همین رهیافت نو به عاشورا، حداقل مثلاً پنج شش مورد را گفتند که باید حذف شود و ناشر هم مجبور بود، حذف کند و من هم متأسفانه به خاطر ناشر پذیرفتم که حذف شود؛ با اینکه هیچ دلیلی نداشت که آنها حذف شود. حتی مثلاً یک جایی من اصلاً بیان امام علی را در نهج البلاغه توضیح داده بودم. یعنی هیچ کم و کاستی از آن عبارات نهج البلاغه نداشت، فقط به فارسی آنها را بیان کرده بودم و به نهج البلاغه را جاع داده بودم. گفتند که باید حذف شود و این خیلی عجیب بود.

الان سه اثر فکر می‌کنم دست یک ناشر هست، که من خیلی امیدوار نیستم واقعاً بتوانند از زیر تیغ سانسور در بیاید. سال ۸۵ کتابی حدود ۴۰۰ صفحه به ناشر دادم و وزارت ارشاد گفت که ۲۰۰ صفحه این کتاب باید حذف شود و من گفتم که پس هیچ. اصلاً کتابی که قرار باشد، ۵۰ درصدش حذف شود، دیگر اساساً قابل انتشار نیست. به همین سبب هم واقعاً دیدم که تألیف و تصنیف و اینها در این شرایط ممکن نیست. مگر اینکه من بخواهم کار غیر قانونی کنم،



سمیه متقی

دبیر گروه سیاست

«دین و دولت و کاربست شریعت» نام کتابی نوشته محمدعابدالجابری، استاد فلسفه و اندیشه عربی اسلامی و از روشنفکران جهان عرب بود که در سال ۲۰۱۰ درگذشت. ترجمه این کتاب را سیدهاشم آقا جری، فعال سیاسی و استاد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس انجام داده و این کتاب بالاخره بعد از قریب به ۲۰ سال مجوز انتشار پیدا کرد؛ کتابی که آقا جری ترجمه آن را به «دکتر علی شریعتی نماد روشنفکری دینی و رهایی‌بخش در عصر ما» تقدیم کرده است. جالب آنجاست که بحث این کتاب اگرچه بر اساس دیدگاه و نظر اهل سنت نوشته شده است، اما از جمله موضوعاتی است که حداقل در دهه اخیر در میان سیاستمداران و متفکران دینی شیعه در حوزه و دانشگاه ما نیز مورد بحث قرار گرفته است. در این کتاب نسبت دین و دولت در نگاه مرجعیت سنتی در مسائلی مانند اجرای احکام، خلافت و توازن قوا، خلافت و شکاف‌های قانونی، اخلاق اسلامی و ایدئولوژی سلطانی و... مطرح شده است و در ادامه هم نسبت اجرای دین و کاربست شریعت را با جریان‌های مختلف تاریخی بررسی کرده و درباره توجه به ضرورت‌های خاص هر عصر و دوره‌ای نیز گفته است. در بخشی از این کتاب آمده است: «برای آنکه خواننده را در جریان چارچوب اندیشه خود بگذاریم و به منظور اجتناب از سوء تفاهم ناشی از عدم تفکیک و تمایز میان سطوح مختلف این پدیده [استفاده از دین در سیاست و جنگ داخلی آشکار و پنهان حاصل از آن] ضروری می‌دانیم که یک بار دیگر خاطر نشان سازیم که ما میان علمانیت یعنی جدایی دین از سیاست از یک سو و حضور اسلام به عنوان شریعت و اخلاق در جامعه‌ای که اکثریت قاطع آن را افراد مسلمان تشکیل می‌دهند از سوی دیگر تمایز می‌گذاریم. علمانیت به معنای جدایی دین از سیاست، جز در جامعه‌ای که در آن نهادی وجود داشته باشد که مظهر و نماینده دین باشد و به نام آن سخن گوید و در عین حال با دولت که بر سر سلطه آن به عنوان دولت به منازعه برخیزد و در نتیجه دولتی علیه دولت یا دولتی در دولت در جامعه به وجود آید، شعاری استوار نیست و با واقعیت تطابق نداشته و کارکرد مثبتی ندارد. روشن است در جامعه‌ای که چنین وضعی دارد راه حل تحدید قدرت و اختیارات هر یک از این دو نهاد و جدایی آنهاست... در اروپا فرایند این جدایی با واگذاری سلطه دینی و روحانی به کلیسا و تخصیص قدرت دنیوی و سیاسی به دولت کامل شد.» همین چند خط از کتاب در کنار بحث‌های آکادمیک و بحث‌های مختلف برخی محافل سیاسی ما نشان‌دهنده دغدغه‌های مشترک مسلمانان ام از اهل سنت و تشیع نسبت به دولت‌ها و حکومت‌ها است.

رونمایی از این کتاب روز چهارشنبه با حضور نویسنده و اساتید دانشگاه‌های مختلف در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد که خلاصه این جلسه در ادامه می‌آید.

▼نخواستم زیرز مینی کتاب‌هایم چاپ شود

هاشم آقا جری، فعال سیاسی و استاد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس:همواره گفته‌ام، بدون مجامله و تعارف و شکست‌نفسی، واقعاً از خودم راضی نیستم. فکر می‌کنم که به هر علتی، به هر اسباب و عللی، من آن چیزی نیستم که خودم از خودم انتظار داشتم و دارم. یعنی فکر می‌کنم که واقعاً کاری نکردم؛ کاری که باید می‌کردم را نکردم. حالا آیا قصور بوده، تقصیر بوده، چقدر مربوط به شخص خودم می‌شده است و چقدر جبر محیط و زمان بوده است، بحث دیگری است. واقعیتش این است که من بنابر علل مختلف، اصلاً کاری که باید می‌کردم را نکردم. نمی‌دانم ما چقدر دیگر عمر

